

جبران خسارات محض اقتصادی از منظر تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی

مهرا ب داراب پور*
فاطمه شیخی ده چناری**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

چکیده

خسارات محض اقتصادی، خسارات وارده به عین یا منفعت یک مال نیست؛ بلکه آن وجوه قابل تحصیل از دست رفته زیان دیده است که در نتیجه نقض تعهدات قراردادی یا مسئولیت غیر قراردادی، خساراتی را بر ثالث یا طرف قرارداد وارد خواهد آورد. از این رو از چالش برانگیزترین مسائل مرتبط، قابلیت جبران این گونه از خسارات است. بر اساس تحلیل اقتصادی حقوق، خسارات محض غیر قابل جبران است؛ اما در رویکرد نوین اقتصادی به مسئولیت مدنی، این گونه از خسارات قابل جبران تلقی می‌گردد. در نگاه اقتصادی به مسئولیت مدنی، عنصر کارایی حائز اهمیت است. کارایی اقتصادی، از مهم‌ترین نتایج محوری تحلیل اقتصادی ناظر بر قابلیت پذیرش جبران خسارات محض است. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی نشان داده است که سطح بهینه‌ای از کارایی در نتیجه جبران خسارات محض اقتصادی محقق خواهد شد. اتخاذ رویکرد نوین همواره به معنای اجتناب از پیکره سنتی قواعد مسئولیت مدنی نیست؛ بلکه برخی خسارات وارده بر اساس قواعد و ارکان سنتی نظام مسئولیت مدنی قابل جبران است. جبران خسارات وارده منافاتی با نظام مسئولیت مدنی نخواهد داشت. خسارات وارده مصداقی از زیان اقتصادی است که در مواردی از قابلیت جبران برخوردار می‌شود. در صورت عمد زیان‌زننده و ورود ضرر، خسارات قابل جبران است. همچنین در صورتی که عرف خسارات را به عامل حادثه منتسب بدانند، رابطه سببیت برقرار و خسارات جبران می‌شود.

کلید واژگان:

ضرر محض اقتصادی، تحلیل اقتصادی، مسئولیت مدنی، قابلیت جبران خسارات، کارایی اقتصادی.

* استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

info@drdarabpour.ir

** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

fa_sheikhi@sbu.ac.ir



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

خسارات محض اقتصادی، آن وجوه قابل تحصیل ازدست‌رفته زیان‌دیده است که در نتیجه بروز فعل زیان‌بار قراردادی یا امور غیرقراردادی محقق می‌شود.^۱ ماهیت متفاوت این خسارات ایجاب می‌کند که مسائل ویژه‌ای ظهور یابد. جبران خسارات محض از مسائل ویژه‌ای است که همواره محل بررسی و تأمل بوده است.

براساس تحلیل اقتصادی حقوق، خسارات محض اقتصادی غیر قابل جبران است. اما این‌گونه از خسارات را نباید مطلقاً غیرقابل جبران پنداشت. پیوند ناگسستنی حقوق و اقتصاد ایجاب می‌کند تا نسبت به مسئولیت مدنی، رویکرد نوین اقتصادی را اتخاذ کرد و در مواردی این‌گونه خسارات را قابل جبران دانست. در نگاه اقتصادی به مسئولیت مدنی، هزینه‌های خارجی رابطه‌ای متقابل است. از این‌رو، در تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی، عنصر «کارایی اقتصادی» حائز اهمیت است. به واسطه جبران خسارات محض، سطح بهینه‌ای از کارایی اقتصادی در جامعه اعمال خواهد شد که از طریق اصول مهم اقتصادی ناظر شامل بازدارندگی، درونی نمودن هزینه‌های خارجی، توزیع ضرر و کاهش هزینه‌های اداری مهیا می‌شود.

الزام به درونی نمودن افراد به هزینه‌های خارجی، انگیزه‌ای را در زیان‌زننده ایجاد می‌کند تا از ضرر اجتناب و اقدامات ایمنی لازم را اخذ کند. در نتیجه این امر، هزینه‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و متقابلاً ریسک در بین اعضای جامعه توزیع می‌گردد. توزیع ریسک باید به افرادی انتقال یابد که نسبت به ریسک بی‌تفاوت بوده یا در موقعیت بهتری برای تحمل ریسک‌اند. به واسطه بازدارندگی، در زیان‌زننده انگیزه‌ای ایجاد می‌شود که اقدامات احتیاطی را رعایت کند. متعاقباً از بروز چنین حوادثی در آینده پیشگیری به عمل خواهد آمد.

اتخاذ رویکرد نوین همواره به معنای اجتناب از پیکره قواعد سنتی مسئولیت مدنی نیست. بلکه خسارات وارده در مواردی بر مبنای پیکره این قواعد جبران‌پذیر است. به‌منظور تحقق شرایط مسئولیت مدنی، باید سه رکن یا عنصر وجود داشته باشد؛ وجود ضرر، ارتکاب فعل زیان‌بار و رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرری که وارد شده است. خسارات محض نوعی از زیان

۱. در این مقاله مسئولیت مدنی در معنای عام آن (مسئولیت حقوق قراردادی و خارج از قرارداد) به کار برده شده است که باید مورد توجه قرار گیرد.

اقتصادی است که در صورت عمد زیان‌زننده یا ورود ضرر قابل جبران است. هزینه‌ها و خسارات وارده نیز مصداقی از تلف محسوب می‌شود که در صورت انتساب عرفی به عامل حادثه قابل جبران است. در صورتی که عرف رابطه سببیت را احراز کند، هرچند به صورت غیرمستقیم، خسارات محض اقتصادی قابل جبران است تلقی می‌شود.

در مقاله حاضر سعی بر آن است که بر مبنای تحلیل اقتصادی، خسارات محض اقتصادی قابل جبران تلقی شود. فصل اول به تعریفی از خسارات محض و علل ایجاد آن پرداخته است. به منظور آشنایی با دیدگاه‌های مختلف حقوقی و قراردادی بین‌المللی، مطالعه تطبیقی از این‌گونه نظام‌ها در خصوص جبران خسارات محض اقتصادی به عمل آورد شده است. در ادامه، اصول اقتصادی ناظر بر قابلیت پذیرش جبران خسارات محض، تحلیل و بررسی شده است. در پرتو نگاه اقتصادی به مسئولیت مدنی و با توجه ویژه به عنصر مهم کارایی اقتصادی در این نوع از نگاه خسارات محض اقتصادی قابل جبران است. ایجاد سطح بهینه‌ای از بازدارندگی، توزیع مناسب ریسک و کارایی اقتصادی، از نتایج محوری جبران خسارات اساس تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی است. از این‌رو، قسمت آخر به جبران خسارات محض اقتصادی در نگاه اقتصادی به مسئولیت مدنی اختصاص یافته است.

۱. خسارات محض اقتصادی و مفاهیم مشابه

خسارت صرفاً اقتصادی در معنای خاص خود در نظام مسئولیت مدنی، خسارت وارد به عین یا منفعت مال نیست. این نوع از خسارت هیچ ارتباطی با خسارت به مال یا جان زیان‌دیده، حتی در کمترین حد خود ندارد. کلمه «صرفاً یا هیچ»^۱ نیز حاکی از این عدم ارتباط است. ضرر اقتصادی محض در نتیجه نقض تعهدات قراردادی توسط متعهد و یا توسط اقدامات سهل‌انگارانه ایجاد شده و منجر به تحمیل خسارت به ثالث یا طرف قرارداد می‌شود.^۲ در نظر اغلب

1. pure

۲. احسانگر، نورا، علیرضا یزدانیان و حسن بادینی، «مسئولیت طرف قرارداد نسبت به ضرر اقتصادی محض وارده به اشخاص ثالث با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، د ۲۵، ش ۴، ۱۴۰۰، ص ۲.

پژوهشگران، ارائه تعریفی از خسارات محض اقتصادی امکان‌پذیر نیست؛ چراکه به عنوان قسم مستقلی از خسارات شناسایی نمی‌شود یا دارای مصادیق متنوعی است.^۱

از این ضرر به عنوان وجوه قابل تحصیل و از دست رفتن زیان دیده نام برده شده است که در صورت انجام ندادن فعل زیان‌بار، به زیان دیده بار نمی‌گردد (افزایش ارقام منفی دارایی) یا وجوه قابل تحصیلی است که در صورت انجام ندادن این فعل، نصیب زیان دیده می‌گردد (جلوگیری از افزایش ارقام مثبت دارایی).^۲ در خصوص فرض افزایش ارقام منفی دارایی، می‌توان به خریدار سهام شرکتی اشاره کرد که براساس گزارش حسابدار شرکت، به خرید سهام اقدام کرده است. به دلیل نادرست بودن گزارش حسابدار، چند برابر ارزش واقعی برای خرید سهام پول پرداخته است. در فرض جلوگیری از افزایش ارقام مثبت دارایی نیز می‌توان به قطعی برق کارخانه در نتیجه آسیب زیان‌زننده به کابل برق اشاره کرد که موجب توقف خط تولید کارخانه شده و تا وصل برق هیچ محصولی برای فروش تولید نشود.^۳

نمونه ایجاد چنین ضرری در ژوئن ۱۹۷۲، منجر به طرح ادعای حقوقی شرکت اسپارتان استیل علیه شرکت مارتین شد.^۴ در این پرونده، آسیب وارده در اثر سهل‌انگاری، قطع برق تولید کارخانه برای مدتی طولانی را به دنبال داشت. اما دلیل رد جبران خسارات محض اقتصادی در دادگاه تجدیدنظر این است که قطع برق خطر روزمره بوده و خطرات باید بر عهده کل جامعه باشد نه فردی خاص.^۵

خسارات محض اقتصادی مشابهت بسیاری با مفاهیم حقوقی و اقتصادی عدم‌النفع، تفویت منفعت، فوت فرصت و به ویژه زیان‌های اقتصادی دارد. عدم‌النفع را باید چنین تعریف کرد: محرومیت از سود مورد انتظار که در صورت فقدان فعل زیان‌بار (در مسئولیت قهری) یا انجام

۱. امینی، منصور و رضا دریائی، «تحلیل اقتصادی خسارات صرفاً اقتصادی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، د ۲۲، ش ۸۶، ۱۳۹۸، ص ۱۷۲.

۲. احسانگر، نورا، علیرضا یزدانیان و حسن بادی، پیشین، ص ۲.

۳. امینی، منصور و رضا دریائی، پیشین، ص ۱۷۳.

4. Spartan Steel & Alloys Ltd v Martin & Co (Contractors) Ltd [1973] QB. 27.

5. J. Szczerbowski, Jakub, " Heuristics and the Problem of Pure Economics Loss", PRINCIPIA LXV, 2018, pp 36-37.

تعهد موضوع قرارداد (مسئولیت قراردادی) عاید شخص می‌شود.^۱ محاکم و حقوقدانان اغلب عدم‌النفع را با تفویت منفعت خلط می‌کنند. در نظر اینان عدم‌النفع دو گونه است: فوت منفعت مسلم و فوت منفعت احتمالی؛ فوت منافع اول قابل مطالبه و منافع نوع دوم غیرقابل مطالبه است.^۲ مطالعات حقوق خارجی نیز حاکی از خلط این دو اصطلاح است و شاید بتوان وجود این اشتباه در حقوق ایران را ناشی از این خلط در حقوق خارجی دانست. برخلاف منفعت که علاوه بر عین، منفعت حاصل از جسم اشخاص و به تعبیری منفعت شخصی را دربر می‌گیرد، عدم‌النفع علاوه بر عین و شخص دربارهٔ عمل نیز مطرح می‌شود. در فوت منفعت، موضوع تلف به تدریج از عین یا عمل شخص ایجاد می‌گردد؛ اما عدم‌النفع محرومیت از سود و نفعی را دربر می‌گیرد، بدون اینکه مستقیماً از عین یا عمل شخص ناشی شود.^۳

یکی از مفاهیم مشابه با عدم‌النفع فوت فرصت است. در نتیجهٔ فوت فرصت، خسارات مختلفی از قبیل تلف عین، تفویت منفعت، لطمه به حق، محرومیت از نفع، ضرر معنوی یا زیان اقتصادی ایجاد می‌شود که ممکن است به زیان دیده وارد گردد. بنابراین محدود کردن آثار فوت فرصت صرفاً به محرومیت از نفع قابل توجیه نیست. فوت فرصت نسبت به عدم‌النفع دامنهٔ گسترده‌تری دارد. در صورت منتهی شدن فوت فرصت به تلف عین، فوت منفعت یا لطمه به حق یا ایراد ضرر معنوی، حکم به جبران این‌گونه خسارات داده خواهد شد. نفی مطلق عدم‌النفع قابل توجیه نیست و در موارد عمد یا تقصیر فاحش زنده قابل جبران است.

زیان اقتصادی نیز دامنهٔ گسترده‌تری نسبت به عدم‌النفع دارد. در کشورهایی که زیان اقتصادی را مورد پذیرش قرار داده‌اند، زیان به سه دسته تقسیم می‌شود: زیان فیزیکی، زیان

۱. محمودی، اصغر، «بازتعریف عدم‌النفع و مقایسه آن با مفاهیم مشابه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، د ۱۷، ش زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۳.

۲. لازم به ذکر است در فقه اسلامی فهم صحیح اصطلاح «عدم‌النفع» مستلزم شناخت چارچوب جبران خسارت در قالب موجبات ضمان است؛ چرا که اصطلاح عدم‌النفع معمولاً در مسائلی مبحث می‌گردد که مشمول هیچ‌یک از موجبات ضمان نباشد. (اعم از اتلاف، تسبیب و ضمان ید) در فقه اسلامی در صورتی که محرومیت دیگری از منافع در نتیجه اتلاف عین مال یا استیفاء بر مال غیر یا استیفای منفعت باشد، «ضمان منافع» یا «تفویت منفعت» نام دارد و در صورتی که به هیچ‌یک از موجبات ضمان متناسب نباشد، مترادف با اصطلاح «عدم‌النفع» است که در قابلیت جبران آن اختلاف نظر وجود دارد (محمودی، اصغر، «بازتعریف عدم‌النفع و مقایسه آن با مفاهیم مشابه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، د ۱۷، ش ۴، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۱).

۳. همان، صص ۱۳۶-۱۳۸.

اقتصادی و زیان‌های محض اقتصادی. زیان فیزیکی خسارات وارده به مال یا جسم اشخاص است؛ زیان‌های اقتصادی مواردی از جمله محرومیت از منافع، عدم‌النفع، فوت فرصت، هزینه‌های درمان معالجه و دارو را دربر می‌گیرد. در برابر، زیان‌های محض اقتصادی شامل دو شق زیان محض اقتصادی تبعی و زیان‌های محض اقتصادی است؛ اولی در نتیجه آسیب وارده به جسم یا مال یک شخص پدید می‌آید؛ مورد دوم خسارات فیزیکی است، بدون اینکه آسیبی به جسم یا مال او وارد آید. بنابراین زیان اقتصادی در مقایسه با عدم‌النفع دارای مفهوم گسترده‌تری است. در هر دو شق زیان اقتصادی، عدم‌النفع متصور است و مواردی همچون تلف مال و تقویت منفعت را شامل می‌گردد.^۱

۲. جبران خسارات کامل اقتصادی در مطالعه تطبیقی نظام‌های بین‌المللی حقوقی و قراردادی

۲.۱. نظام‌های حقوقی

به‌صورت کلی پژوهشگران نظام‌های حقوقی را از نظر قابلیت جبران خسارات اقتصادی به سه طبقه «لیبرال»^۲، «عمل‌گرا»^۳ و «محافظه‌کار»^۴ تقسیم کرده‌اند. در نظام‌های لیبرال فرانسه، بلژیک، ایتالیا، اسپانیا و یونان، نظریه پذیرش خسارات به‌صورت گسترده شناسایی شده است. در برابر، در نظام‌های محافظه‌کار مانند آلمان، اتریش، پرتغال، سوئد و فنلاند، اصل بر عدم قابلیت جبران خسارات اقتصادی محض است.^۵ حقوق انگلیس نیز به‌عنوان نظام عمل‌گرا، اصولاً مسئله جبران خسارات محض اقتصادی را طریق مفهوم «تکلیف مراقبت» بررسی کرده است (از طریق نقض تکلیف مراقبت و یا عدم نقض آن).^۶

۱. همان، صص ۱۳۹-۱۴۲.

2. Liberal

3. Pragmatic

4. Conservative

۵. موسوی، سید محمد صادق، سید علی خزائی و سید هادی دهقان، «بررسی تطبیقی "خسارات اقتصادی" و "عدم‌النفع"»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، د ۵، ش ۲، ۱۳۹۷، ص ۱۴۹.

۶. احسانگر، نورا و علیرضا یزدانیان و حسن بادینی، پیشین، ص ۳.

در نظام‌های حقوقی مختلف درخصوص تضرر اشخاص ثالث،^۱ دو نوع «رویکرد آسیب‌گرا و منفعت‌گرا» وجود دارد. رویکرد آسیب‌گرا، مبتنی بر استقلال ضرر اقتصادی محض از خسارات بدنی و یا مالی است؛ رویکرد دوم نیز ضرر اقتصادی محض را ناظر بر نقض حق یا منفعتی می‌داند که در قانون حمایت نشده است.^۲

در مطالعه تطبیقی، نظام حقوقی برخی از کشورها با جبران ضررهای محض اقتصادی مخالفت کرده است. از سوی دیگر در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی، این نگرانی اهمیت چندانی ندارد.^۳ در حقوق کشورهای اروپایی، نحوه برخورد با جبران خسارات اقتصادی به دو دسته تقسیم می‌شود: «نظام باز و بسته جبران خسارت». در نظام باز جبران خسارت (مانند نظام حقوقی کشور فرانسه)، خسارات صرف‌نظر از منشأ آن قابل جبران است. در برابر، در نظام بسته (مانند نظام حقوقی آلمان و انگلیس)، جبران خسارت محدود به خسارات اقتصادی ناشی از نقض قرارداد است. هرچند خسارات اقتصادی ناشی از نقض قرارداد در راستای احترام به اصل لزوم وفای به عهد بوده و جبران کامل خسارت در همه این کشورها مورد پذیرش قرار گرفته شده است.^۴

۱. در کشورهایی که اصطلاح ضرر محض اقتصادی، به خوبی شناسایی شده است، کلمه خالص نقش اصلی را ایفا می‌کند؛ زیرا اگر زیان اقتصادی وجود داشته باشد که با کوچک‌ترین خسارتی به شخص یا اموال شاکی مرتبط باشد، آن دومی را تبعی می‌نامند. زیان اقتصادی و کل مجموعه خسارات ممکن است بدون هیچ سوآلی جبران شود. Bussani, Mauro and Valentine Palmer, *Pure Economic Loss in Eroupe*, First Published, Cambridge University, United Kingdome, 2003, pp 5-6.

۲. امینی، منصور و رضا دریائی، پیشین، ص ۱۷۲.

۳. همان، ص ۱۷۱.

۴. از اصول مسلم حقوقی حاکم بر حقوق معاملات و قراردادها در حقوق نوشته، اصل لزوم وفای به عهد و اصل جبران خسارت وارده به شخص زیان‌دیده است. به موجب اصل لزوم وفای به عهد یا اصل التزام به قراردادها، لازم است تا زمانی که قرارداد منحل نشده است، طرفین به آن پایبند باشند.

اصل لزوم جبران کامل خسارت یکی از اصول شناخته‌شده حاکم بر مسئولیت مدنی به شمار می‌رود که در راستای هدف مسئولیت مدنی تنظیم شده است. به موجب آن، خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی متعهد جبران می‌گردد؛ به نحوی که زبانی باقی‌نماند و متعهدله در همان وضعیتی قرار می‌گیرد که اگر قرارداد اجرا می‌شد در آن وضعیت قرار می‌گرفت. (مرادی، روح‌اله، حسن بادینی، عباس کریمی و طیب افشارنیا، «قابلیت جبران ضرر اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی: مطالعه تطبیقی در حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی، فقه و حقوق ایران»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، د ۱۳، ش ۲۴، ۱۴۰۰، صص ۴۱۸-۴۱۹).

علی‌رغم مفهوم اصل جبران کامل خسارت و جبران خسارت ناشی از نقض و یا عدم انجام تعهد، ماده ۲۲۱ قانون مدنی بیان می‌دارد: «اگر کسی اقدام به امری را تعهد کند و یا تعهد دهد که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارات طرف مقابل است؛ مشروط بر اینکه خسارت تصریح شده یا تعهد، عرفاً به منزله ←

حقوق ایران با مفهوم زیان اقتصادی و جبران آن بیگانه نیست. بلکه در مواردی همچون مواد ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی می‌توان ردیابی از این نوع زیان را مشاهده کرد. وفق ماده ۵، زیان دیده می‌تواند کلیه خسارات وارده به خود را در نتیجه صدمه بدنی، از جمله کاهش قوه کار و افزایش مخارج زندگی مطالبه کند. براساس ماده ۶ نیز نزدیکان متوفی توانایی مطالبه هزینه‌های نگهداری را که از متوفی دریافت می‌داشته و با فوت وی از آن محروم شده‌اند، خواهند داشت. علاوه بر این، نهاد خیار عیب و امکان مطالبه ارش با زیان اقتصادی مطابقت دارد. همچنین در جبران این نوع از زیان، می‌توان از ابزار تفسیر قرارداد استفاده کرد.^۱

در برابر، مسئولیت محض در نظام حقوقی ایران، تحول قابل توجهی نداشته است. مسئولیت محض مسئولیت ناشی از رفتار زیان‌بار است. در این نوع از مسئولیت، زیان‌زننده مکلف به جبران خسارت است، بدون اینکه نیازی به اثبات تقصیر در عامل زیان یا فعل زیان‌بار باشد. تنها اثبات فقدان رابطه سببیت و انتساب ضرر به قوه قاهره است که فرد را از مسئولیت معاف خواهد کرد. در نظام حقوقی ایران، همچنان مسئولیت محض مبتنی بر تقصیر است. تنها در موارد محدود مانند مسئولیت دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی و ریلی، به‌صورت ضمنی مسئولیت محض مورد پذیرش قرار گرفته شده است.^۲

در حوزه مسئولیت مدنی حقوق کامن‌لو، این موضوع به عنوان «قاعده استثنایی»^۳ یا «قاعده خسارات اقتصادی»^۴ تلقی می‌گردد. از این‌رو، اغلب خسارات محض اقتصادی در حقوق کامن‌لو غیرقابل جبران است. خسارات اقتصادی ناشی از اعمال زیان‌بار تابع احکام عمومی (به شرط احراز مسئولیت مانند رابطه سببیت و قابلیت پیش‌بینی و فقدان موانع آن) است. در برابر، ضرر اقتصادی محض به‌عنوان یکی از انواع خسارات ناشی از بی‌احتیاطی است که برخلاف خسارات تبعی،^۵ قابل جبران نیست.^۱

→تصریح باشد، یا بر حسب قانون، موجب ضمان باشد» (داراب‌پور، مهرباب، اصول و مبانی حقوق تجارت بین‌الملل، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹، صص ۱۷۲-۱۷۳).

۱ محمودی، اصغر، پیشین، صص ۱۴۷-۱۴۸.

۲ بادینی، حسن و سمیه عباسی، «بررسی کارایی مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق»، فصلنامه حقوق تطبیقی، د ۱۴، ش ۱، ۱۳۹۷، صص ۴-۵.

3. Exclusionary Rule.

4. Economic Loss Rule.

۵. خسارات محض اقتصادی ممکن است معادل با «خسارات تبعی» قرار گیرد. علی‌رغم ماهیت خسارات اصلی (مستقیم و بی‌واسطه)، خسارات تبعی به صورت غیرمستقیم و به واسطه نقض عهد، امور و حوادث دیگر ایجاد ←

۲.۲. نظام‌های قراردادی

در خصوص جبران خسارات کامل و عدم‌النفع قراردادی، ماده ۷۴ کنوانسیون وین و ماده ۲-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی هریک به نوعی جبران خسارت عدم‌النفع و صرف اقتصادی را بیان می‌دارند؛ ماده ۷۴ کنوانسیون وین در مقام تبیین خسارات قابل جبران اعلام می‌دارد: «خسارت ناشی از نقض قرارداد توسط یکی از طرفین عبارت است از مبلغی معادل با زیان، از جمله عدم‌النفع که در نتیجه نقض قرارداد متحمل شده است». ماده ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری: «طرف زیان‌دیده به دلیل تحمیل صدمات ناشی از عدم اجرا، مستحق دریافت غرامت کامل است. این صدمات هرگونه زیان وارده و نفعی محروم شده برای زیان‌دیده را دربرمی‌گیرد». علاوه بر این مواد ۹-۵۰۲ اصول اروپایی حقوق قراردادهای، مقدار کلی جبران خسارت را مبلغی محسوب داشته است که شخص زیان‌دیده را در وضعیت مشابهی با وضعیت سابق اجرای کامل قرارداد قرار دهد. چنین جبران خسارتی همه زیان‌های متحمل‌شده زیان‌دیده را پوشش می‌دهد و هر آنچه وی محروم شده است، به او اعطا می‌کند. «و ماده ۱۶۰ سند جامع قراردادهای بیع اروپایی، تصریح می‌دارد که خسارت برای زیان‌های وارده در اثر عدم اجرای یک تعهد، تا آن حد بوده که طلبکار را در وضعیت مشابهی با وضعیت سابق اجرای درست تعهد قرار

→ می‌شود. (بادینی، حسن، ابراهیم تقی‌زاده، ناصر علیدوستی شهرکی و پاتنه آ پناهی اصانلو، «خسارات تبعی در بیع بین‌المللی کالا»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۶، د ۲۰، ش ۷۹، صص ۱۰۱-۱۰۳). این در حالی است که ضرر اقتصادی محض آن دسته از خسارات وارده به زیان‌دیده است که مرتبط با جان یا مال وی نبوده و به صورت غیرمستقیم منجر به بروز خسارت می‌شود. اصطلاح غیرمستقیم وجه اشتراکی است که با ماهیت خسارات تبعی دارد. از این رو می‌توان خسارات محض اقتصادی را نوعی از خسارات تبعی تلقی نمود (همان، ص ۱۰۷). در حقوق کامن‌لو بین خسارات تبعی و محض اقتصادی تفاوت نهاده‌اند. از این رو خسارات تبعی را قابل جبران و خسارات محض اقتصادی را غیرقابل جبران دانسته‌اند. این در حالی است که هر دو ذیل عنوان «اعمال ناشی از بی‌احتیاطی» گنجانده می‌شود. (موسوی، سید محمد صادق، سید علی خزائی و سید هادی دهقان، پیشین ص ۱۴۵). به عنوان مثال، اگر یک کارمند دستمزد یک ماه خود را به دلیل ناتوانی از رفتن به محل کار ناشی از صدمات بدنی از دست دهد، حق مطالبه خسارت را خواهد داشت. در برابر اگر کارمندی دیگر دستمزد یک‌ماهه خود را به دلیل تخریب محل کار و در نتیجه عدم امکان رفتن به محل کار از دست دهد، حق مطالبه نخواهد داشت. ضرر اول از نوع ضرر تبعی است و ضرر دوم ضرر اقتصادی محض محسوب می‌شود. در برابر دیدگاه سنتی حقوق کامن‌لو، قاعده زیان اقتصادی خالص ممکن است، زمانی مورد آزمایش قرار گیرد که فیزیکی بودن آسیب انتزاعی باشد. شرکت‌های مدرن به‌طور فزاینده‌ای بر معاملات انتزاعی یا مالی شده تکیه نموده که با سرعت به‌جای نیروی ماشین و کار قرار می‌گیرد.

J. Rhee, Robert, "A Production Theory of Pure Economic Loss", University of Florida Levin College of Law, Vol. 104, No. I, 2010, p 52 .

۱. امینی، منصور و رضا دریائی، پیشین، صص ۱۴۹-۱۵۰.

دهد. یا در مواردی غیرممکن، تا حد ممکن، طلبکار را در وضعیت مشابه قرار دهد. چنین خساراتی تمام زیان‌هایی متحمل شده توسط زیان‌دیده را پوشش می‌دهد».

لازم به ذکر است، قانون‌گذار در این قوانین به تبیین شرایط و ضوابط خاصی در راستای قابلیت جبران خسارات اقتصادی برنیامده است. بلکه این‌گونه از خسارات در چهارچوب قوانین مندرج قابل جبران است. با نگاهی عمیق در اصول و قواعد مندرج، شرایط قابلیت جبران خسارات اقتصادی شامل موارد ذیل است: ۱- خسارت اقتصادی باید مستقیماً از نقض تعهد قراردادی شخص متعهد ایجاد شود؛ ۲- نقض تعهد از سوی متعهد باید غیر موجه باشد؛ ۳- خسارت اقتصادی باید عرفاً برای شخص متعهد قابل پیش‌بینی باشد؛ ۴- حدوث خسارت اقتصادی باید عرفاً بعید و دور از انتظار نباشد.^۱

در حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی نقض عهد، ایجاد ضرر و رابطه سببیت بین نقض تعهد و ایجاد ضرر و قابلیت پیش‌بینی ضرر لازم است.^۲ ماده ۷۴ کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا پس از بیان خسارات قابل مطالبه بیان داشته است که این خسارات نمی‌تواند از مقدار زبانی که نقض‌کننده در زمان انعقاد قرارداد و به مدد واقعیاتی که در همان موقع به آنها واقف بوده یا باید واقف می‌بوده است و به‌عنوان اثر ممکن‌الحصول نقض قرارداد پیش‌بینی کرده یا باید پیش‌بینی می‌کرده است، متجاوز باشد.» این ماده شامل دو مفهوم اساسی اصل جبران کامل خسارات و محدودیت مسئولیت به شرط قابلیت پیش‌بینی است.^۳

۳. اصول اقتصادی ناظر بر جبران خسارات صرف اقتصادی

جبران کامل خسارات محض اقتصادی همواره از بحث‌برانگیزترین موضوعات حقوقی در نزد حقوق‌دانان بوده است. تا جایی این مسئله پیش رفته است که برخی از نویسندگان این موضوع را به‌عنوان یک معمای حقوقی و یا یکی از مشکلات اصلی بر سر راه توسعه قلمرو مسئولیت مدنی

۱. امینی، منصور و رضا دریائی، پیشین، صص ۴۲۳-۴۲۵.
۲. وفق ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران و ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی، متعهدله وقتی مستحق جبران خسارت می‌شود که دو امر ذیل را در دادگاه ثابت نماید:
۱- ضرر متوجه متعهدله شده باشد. ۲- ضرر بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن باشد.
۳. وطنی، امیر، سید قاسم زمانی و جعفر زنگنه شهرکی، «امکان جبران کامل خسارات در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، د ۴، ش ۱۲، ۱۳۹۴.

غیرقراردادی قلمداد کرده‌اند.^۱ همان‌گونه که بیان شد، در نظام‌های حقوقی مسئولیت مدنی بین‌الملل، اختلافات قابل‌توجهی در خصوص جبران خسارات محض وجود دارد. باوجوداین، در اغلب این کشورها تحولات بسیاری در نظام حقوق مسئولیت مدنی مشاهده می‌شود. وحدت نظری مبنی بر عدم جبران خسارات محض اقتصادی بر اساس تحلیل اقتصادی حقوق مابین کشورها وجود دارد. اما تحولات اخیر اقتصادی و پیوند ناگسستنی حقوق و اقتصادی ایجاب می‌کند تا نگاهی اقتصادی به نظام مسئولیت مدنی داشت. جبران خسارات محض براساس و مبنای اصول قابل‌توجه است. این مهم از طریق اصول اقتصادی مهمی همچون ظرفیت اضافی به منزله خسارت اجتماعی، درونی‌سازی هزینه‌های مسئولیت، بازدارندگی و اصل قائم مقامی مهیا خواهد شد.

۳.۱. ظرفیت اضافی به منزله خسارت اجتماعی

جناب بیشاپ برای اولین بار با تفاوت نهادن بین خسارات خصوصی و اجتماعی، جبران خسارت صرفاً اقتصادی را محدود به خسارات اجتماعی دانست. در نظر وی، تنها خسارات اجتماعی محض اقتصادی قابل‌جبران است. بنابراین جبران خسارت فراتر از آن منجر به بازدارندگی اضافی خواهد شد.^۲ جناب ریزو پس از جناب بیشاپ نظریات دیگری را بیان داشتند. ازاین‌رو استدلال ابتدایی آقای بیشاپ را نقد کرده و خسارات محض اقتصادی را قابل‌جبران دانسته‌اند.^۳ یکی از ایرادات اساسی به نظریه انتقال بیشاپ توسط ریزو^۴ مطرح شد. به نظر وی،

۱. موسوی، سید محمد صادق، سید علی خزائی و سید هادی دهقان، پیشین، ص ۱۴۹.
۲. لازم به ذکر است، برخی از معضلات سیاستی پرداخته‌شده توسط اقتصاد، قاعده ضرر مربوط به رفتار نادرست است. این رفتار زیان اقتصادی خصوصی را بدون ضرر اجتماعی به قربانی تحمیل می‌کند. اما زیان خصوصی به قربانی ممکن است منشأ سود خالص برای جامعه در کل در نظر گرفته شود. در چنین مواردی، این نتیجه متناقض ایجاد می‌گردد که چنین رفتارهای نادرست توسط سازمان تشویق و از نظر اقتصادی به وسیله سیستم حقوقی حمایت می‌شود. اما قواعد مسئولیت باید با توجه به کارکردهای اقتصادی اساسی خود اعمال شوند که هم مسئولیت مثبت برای اثرات خارجی منفی (یعنی ضررهای وارده به اشخاص ثالث) و هم مسئولیت منفی در قبال اثرات خارجی مثبت (یعنی منافع برای اشخاص ثالث) را فراهم کند. اما به ندرت چنین عملیات ترکیبی سیستم مسئولیت را در دنیای واقعی مشاهده می‌شود.

Parisi, palmer, LIABILITY FOR PURE FINANCIAL LOSS: REVISITING THE ECONOMIC FOUNDATIONS OF A LEGAL DOCTRINE", 2003, pp 7-8.

۳. امینی، منصور و رضا دریائی، پیشین، صص ۱۷۳-۱۷۵.

3. Rizzo (1982a)

نظریه انتقال بر این فرض مبتنی است که جایگزین‌ها به راحتی و بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای در دسترس هستند. درحالی که افراد ثالث فقط در صورت دارا بودن ظرفیت اضافی توان انتفاع از عمل زیان‌زننده را خواهند داشت و می‌توانند از انتقال ثروت بهره‌مند شوند. ریزو این ظرفیت اضافی را ناکارآمد دانسته است؛ چراکه منجر به انحراف مسیر از منابع ارزشمند دیگر می‌شود. از نظر او، در صورتی که خسارات صرفاً اقتصادی جبران نگردد، حوادث بیشتری ایجاد می‌شود. در نتیجه این امر، انگیزه‌های افراد برای بالا بردن ظرفیت افزایش می‌یابد. چنین ظرفیتی مستلزم وجود ظرفیت بیش از حد توسط رقیب و ایجاد حادثه است. از این رو فرضیه‌ای ناکارآمد است.^۱

باید بیان کرد که در اغلب موارد، خسارات زیان‌دیدگان حتی در صورت عدم نقض هیچ حق مطلق، باید جبران شود؛ چراکه در صورت عدم جبران خسارات و نبود بازدارندگی، حاصل چیزی نخواهد بود، جز ناکارآمدی بخش وسیعی برای تأمین و کاهش خسارت از سوی شخص ثالث.^۲ این ظرفیت برای جامعه، هزینه‌ای اجتماعی را به دنبال دارد که جبران نکردن آن ظرفیت‌های افزایش‌یافته را تا سطح ناکارآمدی بالا خواهد برد.

علی‌رغم اینکه در نظریات فوق، ظرفیت اضافی به عنوان متغیری برون‌ی در نظر گرفته می‌شود، این ظرفیت می‌تواند به عنوان متغیری درونی در نظر گرفته شود. در واقع این ظرفیت می‌تواند هزینه‌ای احتیاطی باشد که در محاسبه زیان اجتماعی کل وارد می‌گردد. در صورت پیشگیری، هزینه‌های احتیاطی توسط متضرر کاهش می‌یابد. چنین تلاشی کاهش هزینه‌ای دربر خواهد داشت که همان افزایش ظرفیت و هزینه احتیاطی است. ظرفیت در یک بازار درون‌زا

۱. لازم به ذکر است، عمده محاکم اروپایی تمایلی به پذیرش جبران خسارت صرف اقتصادی نداشته و عموماً میزان خسارت اجتماعی ناشی از فعل زیان‌بار، از طریق محاسبه اختلاف ما بین بهترین فرصت اولیه و ثانویه در دسترس افراد به دست می‌آید. در واقع میزان خسارت قابل جبران نباید از تفاوت میان منفعت انتظاری و منفعتی که این شخص می‌توانست با استفاده از دومین فرصت فعالیت مناسب به دست آورد، بیشتر باشد. به‌عنوان مثال، ماهیگیری که در نتیجه آلودگی ساحل امکان ماهیگیری را از دست داده و در برابر نیز به صید ماهی در چند کیلومتر جلوتر اگر مکان صید وجود دارد نپردازند، نمی‌توانند کل منفعت انتظاری از دست داده شده را مطالبه کنند. از نظر منطقی حقوقی نیز بخشی از خسارات وارده منسوب خود آنها بوده و نامبردگان برای تقلیل میزان خسارت از فرصت ثانویه بهره‌برده و برای مقابله با خسارت گامی برنداشته‌اند. فارغ از نحوه محاسبه خسارت اجتماعی، غالب تحلیل‌گران به مصلحت هزینه بالای رسیدگی به این دعوی توجه می‌کنند و معتقدند اجرایی نمودن نظام مسئولیت کامل، مستلزم هزینه اداری سرسام‌آوری است. مزایای پذیرش مسئولیت در چنین فرضی، پرداخت هزینه اداری مذکور را توجیه نمی‌کند.

۲. همان، صص ۱۷۸-۱۷۹.

محسوب می‌شود. در واقع بازاری است برای کاهش هزینه‌های ثالث که ناشی از سود بالقوه در ارائه چنین خدماتی است.^۱

۳.۲. بازدارندگی

در نظریه مبتنی بر بازدارندگی، هدف مسئولیت مدنی وادار کردن افراد به پرهیز از انجام فعالیت‌های زیان‌بار یا کاهش سطح فعالیت و افزایش میزان مراقبت و احتیاط است. این امر در زمان انجام دادن فعالیت‌های خاص و با وارد کردن هزینه حوادث در قیمت فعالیت‌ها صورت می‌پذیرد که هزینه‌ها را کاهش خواهد داد. در این نظریه، مسئولیت بر کسی تحمیل می‌شود که با احتیاط و فعالیت خود از بروز خسارت جلوگیری به عمل خواهد آورد. میزان ضرر وارده را تقلیل دهد و در انتساب ضرر به وی تقصیر مورد توجه نیست.^۲

در نگاه اقتصادی به حقوق، بازدارندگی به دو شکل خود را نشان خواهد داد: الف) تأثیر مستقیم بازدارندگی در نوع اول، تولیدکننده کالای معیوب باید خسارات را جبران کند. بنابراین از تولید کالای معیوب اجتناب خواهد گرفت و احتیاط لازم را در پیش خواهد گرفت. نتیجتاً امنیت محصول خود را افزایش می‌دهد. ب) تأثیر غیرمستقیم بازدارندگی؛ بر مبنای تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی، زیان‌زننده به هنگامی خسارات را جبران خواهد کرد که هزینه پرداخت غرامت کمتر از هزینه‌های متعلق به هزینه‌های امنیت کالا است. براساس اعمال کارایی اقتصادی در مسئولیت مدنی، جبران خسارات توسط زیان‌زننده هنگامی صورت خواهد پذیرفت که هزینه‌های اجتناب از بروز خسارات برای وی کمتر از زیان‌دیده باشد. مسئولیت بر کسی تحمیل خواهد شد که هزینه‌ها را به وجود آورده است و نه حادثه را. در حوادث ناشی از تولید، عامل به وجود آوردن هزینه‌ها تولیدکننده است. بنابراین باید بیشترین تلاش خود را بر امنیت کالا می‌گذاشت تا از پرداخت هزینه‌هایی یابد. این هزینه از هزینه بروز حادثه کمتر بوده و بر این اساس که احتیاط لازم توسط زیان‌زننده به عمل آورده نشده است، باید هزینه‌های حادثه را بپردازد.^۳

1. Dari-Mattiacci, Giuseppe and Hans Bernd Schäfer, "The Core of Pure Economic Loss", *Tinbergen Institute Discussion Paper*, 2006, pp 10-12.

۲. سلیمی، فضا و محمد باقر پارساپور، «مبنای مطلوب مسئولیت مدنی از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق (با نگاهی به حقوق بازار)»، پژوهش حقوق خصوصی، د ۹، ش ۳۵، ۱۴۰۰.

3. Trover, Johnathon, Questioning the social desirability of product liability claims, thesis for degree of doctor of philosophy in legal practice, university of Exeter, 2015, pp 37 and 62.

از نظر معتقدان به کارایی اقتصادی با رویکرد افزایش ثروت، مفاهیم کارایی اقتصادی با عدالت اصلاحی متفاوت است. هرچند در اشکال مختلف بازدارندگی همچون بازدارندگی به‌عنوان افزایش ثروت یا بازدارندگی به‌عنوان شرط اخلاقی، بازدارندگی، هدف عدالت اصلاحی نیز می‌تواند باشد. تحلیلگران حقوق اقتصادی، حقوق مسئولیت مدنی را به‌عنوان ابزاری بازدارنده محسوب می‌دارند که مرتکبان بالقوه و بالفعل را از مشارکت در عمل زیان‌بار باز خواهد داشت. بنابراین در صورت پیگیری کامل و هزینه‌ی اعمال تنبیه صفر (۰) در مورد متخلفان، هزینه‌ی ضمانت اجرای قانونی بهینه^۱، برابر با خسارات خالص پس از تخلف، در مقایسه با قبل از تخلف خواهد بود. تنبیه باید به‌گونه‌ای باشد که ارزش مورد انتظار تخلف، برابر با صفر باشد. بنابراین، جبران خسارات پیشنهادی باید نه‌فقط خسارات خالص به فرد را دربرگیرد، بلکه خسارات وارده به مرتکب را نیز شامل شود. با اعمال این هزینه از بروز مجدد تخلف پیشگیری خواهد شد. همچنین اگر بازدارندگی کافی هدف و منظور اصلی باشد، ارزش مورد انتظار تخلف منفی خواهد بود (مدل بازدارندگی خالص)^۲.

۳.۳. درونی‌سازی هزینه‌های مسئولیت

ممکن است بیان شود که بی‌احتیاطی کارشناس در قیمت‌گذاری منجر به بازتوزیع ثروت و هزینه‌هایی نظیر ظرفیت اضافی به جامعه شود. (از این رو استدلال جناب بیشاپ به قوت خود باقی مانده در نتیجه خسارت مزبور غیرقابل‌جبران است. براساس یافته‌های برخی از محققان، کارشناس دارای تقصیر نیز در برابر خریدار مسئولیت داشته است. در واقع خریدار کارشناس را در راستای کاهش هزینه‌های مراقبت و خسارات انتظاری خود استخدام کرده است. در نتیجه کارشناس باید میزان خاصی از مراقبت را اتخاذ کند. پیروی از نظریه کارشناس برخوردار از استاندارد مراقبت حرفه‌ای، جبران خسارات احتمالی را به دنبال دارد.^۳ به عبارت دیگر، خریدار

1. Optimal sanction

۲. سلیمی، فزه و محمد باقر پارساپور، پیشین، صص ۵۶-۵۷.

۳. مطابق تکلیف عام مراقب و احتیاط، به هنگام شروع انجام فعالیتی حرفه‌ای توسط شخص حرفه‌ای، وی مکلف به احتیاط لازم و عمل به تکالیف قانونی و قراردادی است. در نتیجه، در برابر زیان‌دیده مسئول جبران خسارت است؛ لیکن در صورت ورود خسارت به شخص ثالث و عدم توجیه جبران خسارت براساس نقض تعهدات قراردادی (یکی از طرفین قرارداد نبوده است)، رویه قضایی فرانسه و انگلستان حاکی از این است که ثالث می‌تواند «نقض تعهدات قراردادی حرفه‌ای» را اثبات کند. تعهدات قراردادی حرفه‌ای از تعهدات عرفی و قانونی وی در برابر ←

مسئولیت خود را در قبال نیل به میزان مطلوبیت مراقبت و هزینه‌های مسئولیت‌انتظاری که در قرارداد درونی شده است، پرداخت کرده است.^۱ حتی در صورت تغییر هویت خریدار، این خطر مسئولیت کارشناس را تغییر نمی‌دهد. در فرض رسیدن نظر کارشناسی به دست شخص ناشناس نیز پرداخت بدهی به طور کامل در هزینه کارشناسی داخلی می‌شود. همچنین تعمیم مسئولیت کارشناسی به تعداد زیادی از افراد، احتمالاً هزینه یا ریسک او را تغییر نمی‌دهد. بنابراین، کارشناس باید مسئول باشد.^۲

وکیلی نیز که در تنظیم وصیت‌نامه کوتاهی کرده است؛ در برابر ذی‌نفع مدنظر موکل که در برابر انجام خدمات حرفه‌ای وکیل پول پرداخته است، مسئولیت خواهد داشت. چراکه در این فرض مبلغ دریافتی وکیل شامل هزینه انتظاری مسئولیت حرفه‌ای او نیز شده است. در واقع بخشی از هزینه پرداختی به وکیل، تضمین ضمنی کیفیت خدمات ارائه‌شده توسط وکیل را دربر می‌گیرد.^۳

→ ثالث بیشتر است. همچنین بعضی تعهدات قراردادی حرفه‌ای از نوع «تعهد به نتیجه» است. «مسئولیت محض عرضه‌کنندگان کالا» نیز یکی دیگر از مواردی است که ثالث می‌تواند بدان استناد کند. معیارهای مورد انتظار اشخاص معقول و متعارف ثالث از شخص حرفه‌ای (آگاهی حرفه‌ای)، شامل دانش، مهارت و تجربه، حرفه‌ای را ملزم به انجام تعهدات خود با مهارت و به‌صورت بی‌طرفانه بین خود و مشتری می‌کند. همچنین **دشواری اثبات تقصیر حرفه‌ای** برای ثالث، مصلحت‌های مورد توجه اندیشمندان حقوقی برای حمایت از اشخاص ثالث بوده است. (بادینی، حسن و مجید صرفی، «بررسی امکان استناد ثالث به تعهدات قراردادی حرفه‌ای در دعوی مسئولیت مدنی»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، د ۹، ش ۱، ۱۳۹۷، صص ۲۷-۲۸).

۱. امینی، منصور و رضا دریائی، پیشین، صص ۱۸۰-۱۸۱.

2. Dari-Mattiacci, Guiseppa and Hans Bernd Schäfer, p 14.

۳. لازم به ذکر است، در سه مورد بین ضرر خصوصی و اجتماعی واگرایی وجود داشته است، لیکن غرامت باید محدود یا رد شود؛ (۱) ممکن است مواردی وجود داشته باشد که هزینه مسئولیت درونی نشده، اگرچه قربانی تمایل به پرداخت دارد؛ شرکت حسابرس را برای اهداف داخلی استخدام کرده است. اظهارنامه اشتباه با انتقال و واگذاری به شخص ثالث، منجر به ضرر و زیان وی می‌شود. اما پیش از این با عدم تهیه گزارش کارشناسی برای تهیه معامله، مدیریت تمایلی به پرداخت هزینه حفاظت نداشته و از این‌رو حمایت بخشی از قیمت نبوده است. در اینجا ضرر مالی محضی وجود دارد که بیشتر آن بازتوزیعی است. حفاظت بخشی از قیمت حسابرسی نیست. می‌توان فرض کرد که قربانیان مایل به پرداخت برای حمایت هستند، اما هیچ مکانیسمی برای هدایت چنین تمایلی برای پرداخت به یک پرداخت واقعی وجود ندارد. (۲) هزینه‌های مسئولیت درونی نمی‌گردد، لیکن قربانی تمایلی نیز به پرداخت هزینه برای محافظت ندارد؛ در این مورد مانند چارچوب معرفی‌شده توسط جناب بیشاپ، قربانی بالقوه حاضر به پرداخت بهینه در برابر انتقال‌های غیرارادی نیست. مانند موردی که حسابرس بی‌دقت واقیبت این امر را، که املاک و مستغلات یک شرکت به شدت بیش از حد ارزش‌گذاری شده است، نادیده می‌گیرد. اما در واقع بدهکاری بیش از حد شرکت ایجاب کرده است که شرکت اعلام ورشکستگی کند. به دلیل حسابرسی اشتباه، ←

با توضیحات فوق، در صورتی که هزینه‌های خسارات خصوصی فراتر از میزان خسارات اجتماعی باشد و نیز هزینه‌های مسئولیت درونی نشود، باید بیان داشت که جبران خسارات محض اقتصادی منتفی دانسته شده یا محدود می‌شود.^۱

۳.۴. عدالت توزیعی

در عدالت توزیعی، معیار تناسب استحقاقی افراد است. بی‌عدالتی در دارایی هنگامی صورت خواهد پذیرفت که فرد از معیار تخطی کند تا سهمی بیشتر از سهم خود داشته باشد. در این حالت، در صورتی که فردی سهمی بیشتر از سهم خود، به خود اختصاص دهد، خواه به اشتباه یا به عمد، دیگران حق مطالبه سهم اضافی را به استناد عدالت توزیعی خواهند داشت. در عدالت معاوضی، رکن پایدار تحمیل مسئولیت، تقصیر است و فقط جبران خسارت زیان‌دیده مدنظر است. در حالی که در عدالت توزیعی، رفاه اجتماعی مدنظر است و بدون در نظر گرفتن تقصیر بر مرتکب تحمیل می‌شود. عدالت توزیعی به اثر قواعد مسئولیت مدنی و نتیجه اعمال آن بر رفاه اجتماعی متمرکز است. در حالی که در تحلیل‌های سنتی مسئولیت مدنی، نتیجه اقتصادی و اجتماعی اعمال قواعد، هدف اصلی نیست. بلکه هدف یافتن عادلانه‌ترین و منصفانه‌ترین راه جبران خسارت و تحقق عدالت معاوضی (اصلاحی) نسبت به آنچه است که در گذشته رخ داده است.^۲ عده‌ای از مدافعان وجود مسئولیت مدنی معتقدند قواعد ضمان قهری به طرق مختلف می‌تواند ملاحظات مربوط به عدالت توزیعی را مهیا گرداند. از جمله این راه‌ها بیمه مسئولیت مدنی، تحمیل مسئولیت تضامنی و مشترک به گروه‌های خاصی از افراد، افزایش مسئولیت‌های

→ ارزش شرکت بیش از حد ارزش‌گذاری شده و از این‌رو مدیریت توانایی ادامه زیان را خواهد داشت. (۳) دخالت سهل‌انگارانه در قرارداد؛ به عنوان مثال مالک کشتی، کشتی خود را به قیمت ۲۰۰ دلار در ماه به شرکتی اجاره می‌دهد. اما شرکت به موجب انعقاد اجاره دوم، کشتی را به شرکت دوم واگذار می‌کند کشتی برای معاینه فنی عادی به کارخانه منتقل شده، لیکن کارگری با سهل‌انگاری به کشتی آسیب رسانیده که منجر به تعمیر کشتی و عدم امکان استفاده به مدت یک ماه می‌شود. به دلیل تغییر ناگهانی تقاضا، در زمان انعقاد اجاره دوم، قیمت عرضه ۳۰۰ دلار در ماه بود. اما با وقوع این حادثه، اجاره‌دهنده کشتی ملزم به پرداخت ۲۰۰ دلار اجاره نیست، اما اجاره ۳۰۰ دلاری خود را نیز از دست می‌دهد. استدلال اقتصادی حاکی از این است که الزام کارخانه کشتی‌سازی نسبت به جبران خسارت به موجد دوم باید رد شود.

(Dari-Mattiacci, Guiseppe and Hans Bernd Schäfer, p 17).

۱. امینی، منصور و رضا دریائی، پیشین، صص ۱۸۱-۱۸۲.

۲. سلیمی، فضا و محمدباقر پارسا پور، پیشین، صص ۵۹-۶۰.

نیابتی و اختصاص ضرر به ثروتمندان و نیز تعدیل اثر مسئولیت مدنی بر مبنای انصاف و با توجه به شرایط خاص زیان دیده، واردکننده زیان و اشخاص ثالث است.^۱

رابطه میان عدالت توزیعی و اصلاحی حسب اولویت هنجاری است. بنابراین در حوزه‌های مختلف قاعده‌گذاری متفاوت خواهد داشت. در خسارات ناشی از نقض حقوق رقابت، دیدگاه مطلوب آن است که عدالت توزیعی از لحاظ هنجار مقدم بر عدالت اصلاحی است. عدالت اصلاحی ابزاری است در جهت تحقق عدالت توزیعی و ویژگی هنجاری آن برگرفته از عدالت توزیعی است. علت اساسی پذیرش این نظریه آن است که در قواعد رقابتی و ضمانت اجراهای آن، حفظ رقابت در بازار مهم است و جبران خسارت زیان دیده، راهی برای حفظ رقابت در بازار و افزای رفاه اجتماعی خواهد بود.^۲

۳.۵. اصل قائم مقامی

اصل قائم مقامی در بیمه به معنای رجوع بیمه‌گر به زیان‌زننده پس از جبران خسارت وارده به بیمه‌گذار است. در اکثر نظام‌های حقوقی این اصل پذیرفته شده است. منطق اقتصادی موجود در طرح دعوا ایجاب می‌کند که بیمه‌گر به قائم مقامی بیمه‌گذار به زیان‌زننده رجوع کند؛ به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد بر مبنای اصل قائم مقامی، خسارات محض اقتصادی مطرح بوده است. منطق مشابه با دعوای قائم مقامی بیمه‌گر در خصوص خسارات محض اقتصادی نیز قابل طرح است. به‌عنوان نمونه، در صورت الزام کارفرما به پرداخت حقوق کارگر بر حسب قانون یا قرارداد در ایام از کار افتادگی، کارفرما حق رجوع و اقامه دعوا به زیان‌زننده را برای کل هزینه‌های انجام‌داده در این مدت را خواهد داشت؛ چراکه پرداختی کارفرما، تحت عنوان بیمه کردن کارگر در برابر خسارات اجتماعی است. نیروی کارگر منبع اجتماعی و ارزشمند است که حتی به‌صورت موقتی منجر به ورود آسیب می‌شود.^۳

۱. همان، ص ۵۹.

۲. سلیمی، فضا، پیشین، صص ۶۰-۶۱.

۳. این قیاس برای چندین سال دادگاه‌های اسپانیا را متحیر کرده است. در مدت زمان معین، کارمند زیان‌دیده به واسطه سهل‌انگاری فرد دیگر، برای مدتی از کار افتاده است. در این مدت، کارفرما به پرداخت دستمزد کارمند چه به‌موجب قانون (کارکنان دولتی) و چه به موجب قرارداد (کارکنان خصوصی) ملزم بوده است. سپس کارفرما از مجروح برای بازپرداخت دستمزد پرداخت شده (بدون خدمات کارمند مربوطه) شکایت می‌کند. دیوان عالی اسپانیا پس از ←

عدم پذیرش مسئولیت زیان‌زننده فوق دو اشکال را به همراه خواهد داشت؛ عدم ایجاد انگیزه کافی در زیان‌زننده در خصوص مراقبت مقتضی و در نتیجه بازدارندگی کمتر از حد که از نظر اقتصادی نیز ناکارآمد است و نیز توزیع ناکارآمد ریسک و در نتیجه حذف پرداخت حقوق به کارگر در ایام از کار افتادگی.

باید بیان داشت که میزان مسئولیت انتظاری چیزی است که افراد معقول در تعیین میزان ارزش و بهای قرارداد خود در نظر می‌گیرند. در صورت پذیرش اقامه دعوا از جانب بیمه‌گر و نیز عدم پذیرش آن تفاوت وجود داشته است. بیمه‌گر هنگام تعیین حق بیمه این موضوع را مدنظر قرار می‌دهد. در واقع در صورت پذیرش اقامه دعوا توسط بیمه‌گر، هزینه مسئولیت انتظاری از مجموع مبالغی که به دست می‌آورد کسر می‌شود. در نتیجه میزان حق بیمه کاهش می‌یابد. با کاهش حق بیمه، زیان‌دیدگان بالقوه نیز استقبال بیشتری را برای تهیه پوشش بیمه‌نامه خواهند داشت که از نظر اجتماعی سودمند است. در قرارداد کار نیز در صورت عدم توانایی و رجوع کارفرما به زیان‌زننده، دستمزد کارگران تحت‌تأثیر قرار داده شده است؛ چراکه کارفرما خسارات انتظاری خود را در هنگام تعیین حقوق کارگر مدنظر قرار می‌دهد.

تمام موارد خسارت صرفاً اقتصادی در طرح دعوا از باب قائم مقامی قابل اعمال است. نمی‌توان آن را محدود به قراردادهای کار و از کار افتادگی کارگر دانست. این امر در خصوص افزایش هزینه اجرای قرارداد و ورود خسارت اقتصادی نیز قابل اعمال است. هر شخصی که در قرارداد طرف مقابل را بیمه نموده باشد، باید مجاز به مطالبه هزینه‌های اجتماعی افزایش یافته از زیان‌زننده باشد.^۱

۴. تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی

تا پیش از شکل‌گیری تحلیل اقتصادی حقوق، گستره علم اقتصاد در حقوق شامل مواردی همچون قانونمند نمودن صنایع، تعیین خسارت و موارد مشابه یا حوزه‌های ضدتراست محدود

→ یک دوره اولیه در شعبه دوم که در آن احکام دعاوی اعطا می‌شد، سرانجام بر اساس اصل قطعیت و مؤثر بودن ضرر، مسئولیت زیان‌دهنده را در قبال میزان دستمزد رد کرد.

(Gómez, Fernando and Juan Antonio Ruiz, "The Plural -and Misleading- Notion of Economic Loss in Tort: A Law and Economics Perspective", InDret 4/2002, p 18).

1 Ibid, pp 18-19.

می‌شد. اما پس از شکل‌گیری رشته تحلیل اقتصادی حقوق و به‌خصوص از بازه زمانی ۱۹۶۰ به بعد و با سرایت به حوزه مسئولیت مدنی به‌عنوان نوعی از پیوند اقتصاد و حقوق، عناوینی همچون مبنای حقوق مسئولیت، انواع خسارت، نحوه محاسبه آن و کارآمدی مقررات نسبت به آن را مطرح کرد.^۱

جدی‌ترین مباحث در میان مباحث مسئولیت مدنی، مبنای آن و بار اثبات امر است. در رویکردهای سابق، مبنای مسئولیت مدنی عمدتاً براساس تقصیر بوده و در مواردی مبنای مسئولیت محض مورد پذیرش قرار گرفته شد. اما پس از پیشرفت‌های حاصله در صنایع، فناوری و افزایش حوادث، نظریه خطر پا به عرصه وجود گذاشت. بر این اساس، حوادثی که بر مبنای تقصیر مورد پذیرش قرار گرفته نمی‌شد، بر مبنای نظریه خطر پذیرفته شد. پذیرش این مسئولیت به‌عنوان مبنایی در جهت ملاحظات اقتصادی است که در تحلیل‌های سابق اقتصادی حقوق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های درونی نمودن هزینه‌های خارجی طرح شد.^۲

به‌طور سنتی در دعاوی مسئولیت مدنی و برای پرداخت خسارات، اثبات رابطه سبب میان عمل فرد و ضرر لازم است. از این‌رو این رابطه رابطه‌ای یک‌طرفه است. اما در نظر کاوز موضوع و مسئله هزینه‌های خارجی با موضوعات مطرح در دعاوی مسئولیت مدنی متفاوت است. مسئله هزینه‌های خارجی در نگاه اقتصادی به مسئولیت مدنی، رابطه‌ای دوسویه و متقابل است. از این‌رو عنصر کارایی اقتصادی در حوزه مسئولیت مدنی طرح شد. عنصر کارایی در نگاه اقتصادی به مسئولیت مدنی حائز اهمیت است. کارایی اقتصادی را نباید تنها برای اهداف مسئولیت مدنی تصور کرد، بلکه به‌عنوان مبنای پیامدگرایی طرح می‌شود که می‌تواند مبنای تغییر قوانین و تعیین رویکرد جدید قانون‌گذار باشد.^۳

پس از توسعه نگرش تحلیل اقتصادی حقوق، معلوم شد که مبنای مرسوم پاسخگویی نیازهای حقوقی اجتماع نیست.^۴ اندیشمندان حقوق اقتصادی نظریات سنتی را مناسب برای تحلیل مبنای مسئولیت مدنی ندانسته و آن را کارا قلمداد نکرده‌اند. در نظر آنان، باید نگاهی فرادست به قواعد

۱. داراب‌پور، مهرباب، پیشین، صص ۷۴-۷۵.

۲. سلیمی، فزه و محمدباقر پارساپور، پیشین، صص ۴۳-۴۴.

۳. همان، صص ۵۴-۵۵.

۴. همان، ص ۴۴.

مسئولیت مدنی داشت و به قاعده‌گذار این فرصت را داد تا مبتنی بر مبانی پیامدگرا به قاعده‌گذاری در حوزه مسئولیت مدنی بپردازد و با هدف بهبود رفاه اجتماعی و با رویکردی مبتنی بر کارایی اقتصادی، به سراغ مبانی نوین رود.^۱

مسئله کارایی یکی از موضوعات مهم علم اقتصاد است. عنصر کارایی در نگاه اقتصادی به مسئولیت مدنی حائز اهمیت بسیاری است. کارایی عبارت است از استفاده بهینه از منابع تولیدی (نیروی کار، سرمایه، تجهیزات و تسهیلات، انرژی، مواد و مدیریت علمی، کاهش هزینه‌های تولید، گسترش بازار و... در جهت بهبود سطح کیفیت زندگی و توسعه اقتصادی. آنچه از کارایی اقتصادی مدنظر است، موقعیتی است که در آن منابع به صورت بهینه اختصاص یابد. موقعیت بهینه اختصاص یافته آن است که سطح هیچ کدام از فعالیت‌ها افزایش نخواهد یافت، مگر آنکه سطح فعالیت‌های دیگر نیز کاهش یابد.^۲

در رویکرد تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی، هدف کارایی اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی است. مسئولیت مدنی به صورت‌های مختلف می‌تواند کارایی اقتصادی را محقق کند. در این باور اقتصادی، طرق مورد استفاده در راستای تحقق کارایی اقتصادی، بازدارندگی، درونی کردن هزینه‌های خارجی، توزیع ضرر و کاهش هزینه‌های اداری است. تحلیلگران اقتصادی باور داشته‌اند که الزام افراد به درونی کردن هزینه‌های خارجی، الزام به انجام اقدامات احتیاطی بهینه، کاهش هزینه‌های اداری و توزیع ضرر بین اعضای جامعه مجموع هزینه‌های حوادث را کاهش می‌دهد و منجر به افزایش ثروت و کارایی اقتصادی می‌شود.^۳ بازدارندگی در افراد انگیزه انجام اقدامات احتیاطی را ایجاد می‌کند تا بدین واسطه از وقوع حوادث زیان‌بار جلوگیری شود.^۴ الزام افراد به درونی کردن هزینه‌های خارجی به آنان انگیزه اجتناب از ضرر را اعطا می‌کند تا در زمینه ایمنی اقدامات لازم را اتخاذ کنند.^۵ نهایتاً با کاهش هزینه‌های اجتماعی، ریسک موجود در بین اعضای جامعه توزیع می‌شود. توزیع ریسک باید به افرادی انتقال یابد که نسبت به ریسک بی‌تفاوت بوده یا در موقعیت بهتری برای تحمل ریسک هستند.^۶

۱. همان، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. بادینی، حسن و سمیه عباسی، پیشین، ص ۳.

۴. همان، ص ۵.

۵. همان، ص ۱۲.

۶. همان، صص ۱۵-۱۶.

اتخاذ رویکرد نوین را نباید به معنای اجتناب از پیکره سنتی قواعد مسئولیت مدنی پنداشت. به‌منظور تحقق شرایط مسئولیت مدنی، ورود ضرر، فعل زیان‌بار و اثبات رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و فعل زیان‌زننده لازم است. در صورت عمد زیان‌زننده یا ورود ضرر، خسارات محض اقتصادی قابل جبران است. تنها اثبات رکن سوم است که محل تردید و تأمل است. باید هزینه‌ها و خسارات وارده را مصداقی از تلف محسوب داشت که در صورت انتساب عرفی به عامل حادثه، از قابلیت جبران برخوردار می‌شود. در صورتی که عرف رابطه سببیت را احراز کند، هرچند به صورت غیرمستقیم، خسارات محض اقتصادی قابل جبران تلقی می‌شود.

اغلب نظام‌های حقوقی بین‌الملل رویکردی نوین نسبت به جبران خسارات محض اقتصادی اتخاذ کرده‌اند. اما نظام حقوقی مسئولیت مدنی ایران همگام با تحولات اخیر همانند بسیاری از نظام‌های حقوقی بین‌الملل نبوده است. به‌ناچار باید نگاهی نو به قواعد و ارکان سنتی مسئولیت مدنی داشت و رویکردی نوین را اتخاذ کرد. به عنوان مثال می‌وان نگاهی نو به رابطه سببیت در قواعد سنتی مسئولیت مدنی داشت یا اینکه خسارات محض اقتصادی را در شمار انواع خسارات وارده به مال یا جسم اشخاص دانست که قابل جبران است. در غیر این صورت نه تنها از عناصر مهم کارایی اقتصادی، توزیع بهینه ریسک و بازدارندگی پیشگیری به عمل آورده خواهد شد، بلکه هزینه‌هایی بر جامعه تحمیل می‌شود که به هیچ صورت قابل جبران نیست.

نتیجه‌گیری

در نظام‌های حقوقی گوناگون، اختلاف قابل‌توجهی در خصوص جبران خسارات محض اقتصادی وجود دارد. در حقوق کامن‌لو، این خسارات غیرقابل جبران است. از این رو از آن به عنوان «قاعده استثنایی» نام برده می‌شود. کشورهای اروپایی از «نظام‌های باز و بسته جبران خسارت» تبعیت می‌کنند. در فرانسه، نظام باز جبران خسارت مورد پذیرش است. بر این اساس، خسارات محض اقتصادی قابل جبران است. در برابر، برخی دیگر مانند سیستم حقوقی آلمان از نظام بسته جبران خسارت پیروی می‌کند و جبران این‌گونه از ضررها را نمی‌پذیرد. در انگلستان نیز اتخاذ تصمیم نسبت به پذیرش یا عدم پذیرش جبران خسارات محض اقتصادی از طریق بررسی نقض «تکلیف مراقبت» انجام می‌پذیرد.

براساس تحلیل اقتصادی حقوق، خسارات محض اقتصادی قابل جبران نیست؛ چراکه خسارات صرف اقتصادی از سایر اقسام خسارات متفاوت است. در این دیدگاه، خسارات وارده به‌عنوان خسارات اجتماعی محسوب نمی‌شود، بلکه خسارات خصوصی است که منجر به انتقال ثروت از شخصی به شخص دیگر می‌شود. از این رو، تنها خسارات اجتماعی محض اقتصادی قابل جبران است و جبران آن فراتر از حد مطلوب اجتماعی، منجر به بازدارندگی اضافی می‌شود. قاعده خسارات اقتصادی با پذیرش خسارات اجتماعی محض و عدم پذیرش سایر خسارات از این نتیجه ناکارآمد (بازدارندگی اضافی) جلوگیری می‌کند.

خسارات صرف اقتصادی در نگاه اقتصادی به مسئولیت مدنی قابل جبران است. همواره بین حقوق و اقتصاد پیوندی ناگسستنی وجود داشته است. تحولات اقتصادی اخیر ایجاب می‌کند که به قواعد حقوقی مسئولیت مدنی نگاهی نو و اقتصادی داشت. در رویکرد اقتصادی به مسئولیت مدنی، مسئله هزینه‌های خارجی رابطه‌ای متقابل است؛ برخلاف موضوعات مطرح در نظام مسئولیت مدنی که از رابطه‌ای یک‌سویه و یک‌طرفه برخوردارند. از این رو، در رویکرد اقتصادی به مسئولیت مدنی و در نظر تحلیل‌گران اقتصادی، عنصر کارایی اقتصادی حائز اهمیت است. کارایی اقتصادی از نتایج محوری قابلیت جبران خسارات محض در رویکرد اقتصادی است. به واسطه جبران خسارات محض در پرتو تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی، می‌توان سطح بهینه‌ای از کارایی اقتصادی را ایجاد کرد. این مهم از طریق اصول مهمی همچون «درونی‌سازی هزینه‌های مسئولیت، بازدارندگی و توزیع بهینه ریسک» حاصل خواهد شد. الزام افراد به درونی نمودن هزینه‌های خارجی، انگیزه‌ای را در آنان ایجاد می‌کند که از ضرر اجتناب کنند و اقدامات ایمنی لازم را در پیش گیرند. به این طریق هزینه‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و ریسک در بین اعضای جامعه توزیع می‌شود. توزیع ریسک باید به افرادی انتقال یابد که نسبت به ریسک بی‌تفاوت بوده یا در موقعیت بهتری برای تحمل ریسک هستند. به واسطه بازدارندگی نیز، در زیان‌زننده بالقوه، انگیزه‌ای ایجاد می‌شود که اقدامات احتیاطی پیش‌گرفته شده تا از بروز چنین حوادثی در آینده پیشگیری شود. از این رو، جبران خسارات محض اقتصادی سطح بهینه‌ای از کارایی اقتصادی را مهیا می‌کند.

اغلب نظام‌های حقوقی بین‌الملل رویکردی نوین نسبت به جبران خسارات محض اقتصادی اتخاذ کرده‌اند. اما نظام حقوقی مسئولیت مدنی ایران همگام با تحولات اخیر نبوده است. به‌ناچار باید نگاهی نو به قواعد و ارکان سنتی مسئولیت مدنی داشت و رویکردی نوین را اتخاذ کرد. اتخاذ رویکرد نوین اجتناب از پیکره سنتی قواعد مسئولیت مدنی نیست. بلکه در پرتو پیکره سنتی قواعد مسئولیت مدنی، خسارات محض قابل جبران است. به‌منظور تحقق شرایط مسئولیت مدنی، ورود ضرر، فعل زیان‌بار و اثبات رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و فعل زیان‌زننده لازم است. خسارات محض اقتصادی نوعی از زیان اقتصادی است که در مواردی از قابلیت جبران برخوردار می‌شود. در صورت عمد زیان‌زننده یا ورود ضرر، خسارات محض اقتصادی قابل جبران است. هزینه‌ها و خسارات وارده را نیز باید مصداقی از تلف محسوب داشت که در صورت انتساب عرفی به عامل حادثه، از قابلیت جبران برخوردار می‌شود. در صورتی که عرف رابطه سببیت را احراز کند، هرچند به صورت غیرمستقیم، خسارات محض اقتصادی قابل جبران تلقی می‌شود.

پیشرفت صنایع و فناوری‌های نوین و ایجاد حوادث بسیار و غیرمترقبه متعاقب آن می‌نماید تا بر نظریات مدرن و نوین اقتصادی مسئولیت مدنی و اصول حاکم بر تحلیل‌های اقتصادی ناظر استناد کرد و بر این اساس خسارات محض اقتصادی را قابل جبران دانست. باید تلاش خود را بر این نهاد که نظریات نوین طرح شود و با اعمال آن در حوزه‌های مختلف مسئولیت مدنی، اعم از مسئولیت ناشی از تولید، نقض قواعد حقوق رقابت، خسارات ناشی از حوادث رانندگی و ...، خساراتی همچون محض اقتصادی را قابل جبران تلقی کرد.

خسارات محض اقتصادی ماهیتی متفاوت نسبت به خسارات وارده به مال یا جسم اشخاص دارد. ضرر واردشده نوعی از زیان اقتصادی است که در هر صورت هزینه‌هایی را بر زیان‌دیده تحمیل می‌کند. جبران نکردن آن نه تنها از اعمال و اجرای کارایی اقتصادی ممانعت به عمل خواهد آورد؛ بلکه از اعمال بازدارندگی و توزیع بهینه ریسک نیز جلوگیری خواهد شد. به‌ناچار باید نگاهی نو به شرایط تحقق مسئولیت مدنی داشت. به‌عنوان مثال در نگاه به رابطه سببیت در قواعد سنتی مسئولیت مدنی بازنگری کرد یا خسارات محض اقتصادی را در شمار انواع خسارات وارده به مال و یا جسم اشخاص محسوب داشت. در غیر این صورت نه تنها از عناصر مهم کارایی اقتصادی، توزیع بهینه ریسک و بازدارندگی پیشگیری به عمل آورده خواهد شد، بلکه هزینه‌هایی بر جامعه تحمیل می‌شود که به هیچ صورت قابل جبران نیستند.

منابع

کتاب

۱. داراب‌پور، مهرباب، **اصول و مبانی حقوق تجارت بین‌الملل**، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.

مقاله

۲. احسانگر، نورا، علیرضا یزدانیان و حسن بادینی، «مسئولیت طرف قرارداد نسبت به ضرر اقتصادی محض وارده به اشخاص ثالث با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، د ۲۵، ش ۴، ۱۴۰۰، صص ۲۵-۱.
۳. ابراهیمی، سیدنصرالله و سمیرا غلامدخت، «شرط پذیرش مسئولیت یا جبران خسارت (INDEMNITY) با تأکید بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز»، *دوفصلنامه تخصصی حقوق قراردادهای فناوری‌های نوین*، د ۱، ش ۲، ۱۳۹۹، صص ۱۰۵-۸۱.
۴. امینی، منصور و رضا دریائی، «تحلیل اقتصادی خسارات صرفاً اقتصادی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، د ۲۲، ش ۸۶، ۱۳۹۸، صص ۱۹۲-۱۶۹.
۵. بادینی، حسن و سمیه عباسی، «بررسی کارایی مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق»، *فصلنامه حقوق تطبیقی*، د ۱۴، ش ۱، ۱۳۹۷، صص ۲۴-۳.
۶. بادینی، حسن و ابراهیم تقی‌زاده، ناصر علیدوستی شهرکی و پانته آ پناهی اصلولو، «خسارات تبعی در بیع بین‌المللی کالا»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، د ۲۰، ش ۷۹، ۱۳۹۶، صص ۱۲۲-۹۹.
۷. بادینی، حسن و مجید صرفی، «بررسی امکان استناد ثالث به تعهدات قراردادی حرفه‌ای در دعوای مسئولیت مدنی»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، د ۹، ش ۱، ۱۳۹۷، صص ۴۶-۲۵.
۸. سلیمی، فضا و محمدباقر پارساپور، «مبنای مطلوب مسئولیت مدنی از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق (با نگاهی به حقوق بازار)»، *پژوهش حقوق خصوصی*، د ۹، ش ۳۵، ۱۴۰۰، صص ۶۶-۴۱.
۹. محمودی، اصغر، «بازتعریف عدم‌النفع و مقایسه آن با مفاهیم مشابه»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، د ۱۷، ش ۴، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۵۲-۱۲۹.

۱۰. موسوی، سید محمد صادق، سید علی خزائی، سید هادی دهقان، «بررسی تطبیقی "خسارات اقتصادی" و "عدم‌النفع"»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، د ۵، ش ۲، ۱۳۹۷، صص ۱۷۰-۱۳۹.

۱۱. مرادی، روح‌اله و حسن بادینی و عباس کریمی و طیب افشارنیا، «قابلیت جبران ضرر اقتصادی ناشی از نقض تعهدات قراردادی: مطالعه تطبیقی در حقوق قراردادهای تجاری بین المللی، فقه و حقوق ایران»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، د ۱۳، ش ۲۴، ۱۴۰۰، صص ۴۳۸-۴۱۱.

۱۲. وطنی، امیر و سید قاسم زمانی، جعفر زنگنه شهرکی، «امکان جبران کامل خسارات در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، د ۴، ش ۱۲، ۱۳۹۴، صص ۱۶۵-۱۳۱.

قوانین

۱۳. قانون مدنی.

۱۴. قانون آیین دادرسی مدنی.

References

Books

1. Bussani, Mauro and Valentine Palmer, *Pure Economic Loss in Eroupe*, First Published, Cambridge University, United Kingdom, 2003.
2. Darabpour, Mehrab, *Principles and Foundations of International Trade Law*, Volume 1, Third Edition, Tehran: Ganj Danesh Publications, 2010. (in Persian)

Articles

3. Amini, Mansour and Reza Daryaei, "Economic Analysis of Purely Economic Damages", *Legal Research Quarterly*, Volume D. 22, 2019, No. 86, pp: 169-192. (in Persian)
4. Badini, Hassan and Ebrahim Taghizadeh, Naser Alidoosti Shahraki and Pantea Panahi-Osanloo, "Consequential Damages in the International Sale of Goods", *Quarterly Journal of Legal Research*, Volume 20, 2017, No. 79, pp: 99-122. (in Persian)
5. Badini, Hassan and Majid Sarafi, "Investigating the Possibility of Third-Party Invoking Professional Contractual Obligations in Civil Liability Litigation", *Comparative Law Studies*, Volume 9, 2018, No. 1, pp: 25-46. (in Persian)
6. Badini, Hassan and Somayeh Abbasi, "Investigating the Efficiency of Strict Liability from the Perspective of Legal Economic Analysis", *Comparative Law Quarterly*, Volume 14, 2018, No. 1, pp: 3-24. (in Persian)
7. Dari-Mattiacci, Guiseppe and Hans Bernd Schäfer, "The Core of Pure Economic Loss", *Tinbergen Institute Discussion Paper*, 2006, pp 10-12.
8. Ebrahimi, Seyed Nasrallah and Samira Gholamdokht, "The Condition of Accepting Liability or Compensation for Damages (INDEMNITY) with Emphasis on Upstream Contracts in the Oil and Gas Industry", *Bi-Quarterly Journal of Contract Law and New Technologies*, Vol. 1, 2019, No. 2, pp: 81-105. (in Persian)
9. Ehsangar, Nora, Alireza Yazdani and Hassan Badini, "The Liability of the Contracting Party for Pure Economic Loss Caused to Third Parties with a Comparative Study in English Law", *Quarterly Journal of Comparative Law Research*, Vol. 25, 1400, No. 4, pp: 1-25. (in Persian)

10. Famulski, Tomasz, " Economic Efficiency In Economic Analysis of Law", *Journal of Finance and Financial Law*, vol. 3(15), 2017, pp 28-30
11. Gómez, Fernando and Juan Antonio Ruiz, "The Plural -and Misleading- Notion of Economic Loss in Tort: A Law and Economics Perspective", *InDret* 4/2002, p18.
12. J. Rhee, Robert," A Production Theory of Pure Economic Loss", *University of Florida Levin College of Law*, Vol. 104, No. I, 2010.
13. J. Szczerbowski, Jakub, "Heuristics and the Problem of Pure Economics Loss", *PRINCIPIA LXV*, 2018.
14. Mahmoudi, Asghar, "Redefining non-profit and comparing it with similar concepts", *Comparative Law Research*, Volume 17, Issue 4, winter 2013, pp: 129-152. (in Persian)
15. Moradi, Ruhollah and Hassan Badini and Abbas Karimi and Tayeb Afsharnia, "The ability to compensate for economic losses resulting from breach of contractual obligations: A comparative study in international commercial contract law, jurisprudence and Iranian law", *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, Volume 13, 1400, No. 24, pp: 411-438. (in Persian)
16. Mousavi, Seyyed Mohammad Sadeq, Seyyed Ali Khazaei, Seyyed Hadi Dehghan, "A Comparative Study of "Economic Losses" and "Non-Benefit-Non-Benefit", *Quarterly Journal of Comparative Research in Islamic and Western Law*, Volume 5, 2018, No. 2, pp: 139-170. (in Persian)
17. Parisi, palmer, *Liability for Pure Financial Loss: Revisiting the Economic Foundations of a Legal Doctrine*, 2003.
18. Salimi, Fezah and Mohammad Bagher Parsapour, "The Ideal Basis of Civil Liability from the Perspective of Economic Analysis of Law (With a Look at Market Law)", *Private Law Research*, Volume 9, 1400, No. 35, pp: 41-66. (in Persian)
19. Vatani, Amir and Seyyed Ghasem Zamani, Jafar Zanganeh Shahraki, "The Possibility of Full Compensation for Damages in the Principles of International Commercial Contracts, the Convention on Contracts for the International Sale of Goods and Iranian Law", *Quarterly Journal of Private Law Research*, Volume 4, 2015, No. 12, pp: 131-165. (in Persian)

Thesis

20. Trover, Johnathon, Questioning the Social Desirability of Product Liability Claims, Thesis for Degree of Doctor of philosophy in legal practice, 2015, university of Exeter.

Laws

- 21. Civil Code (in Persian)
- 22. Civil Procedure Code (in Persian)

Document

- 23. Comprehensive Document of European Sales Contracts
- 24. Convention on Contracts for the International Sale of Goods
- 25. European Principles of Contract Law
- 26. Principles of International Commercial Contracts
- 27. Vienna Convention

Compensation of Pure Economic Loss from Economic Analysis of Civil Liability Perspective

Mehrab Darabpour*
Fatemeh Sheikhi Dehchenari**

Abstract

Pure economic damages are not only damages to the property or its benefits. Rather, they represent the lost potential gains of the aggrieved party, which result from the breach of contractual obligations or non-contractual liability, causing damage to a third party or a contracting party. Therefore, one of the most challenging related issues is the ability to compensate for such damages. Based on the economic analysis of law, pure damages are irreparable. But in the new economic approach to civil liability, such damages are considered compensable. In the economic view of civil liability, the element of efficiency is important. Economic efficiency is one of the most important key results of economic analysis regarding the acceptability of compensation for pure damages. The present research, using an analytical-descriptive method, has shown that an optimal level of efficiency will be achieved as a result of compensation of pure economic losses. Adopting a new approach does not always mean avoiding the traditional structure of civil liability rules. Rather, some damages can be compensated based on the traditional rules and pillars of the civil liability system. Compensation of damages will not conflict with the civil liability system. Damages are examples of economic loss that can be compensated in some cases. In case of deliberate damage and loss, damages can be compensated. Also, if the customs attribute the damages to the cause of the accident, the causation relationship is established and damages are compensated.

Keywords:

Pure Economic Loss, Economic Analysis, Civil Liability, Compensability, Economic Efficiency

* Professor of Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
info@drdarabpour.ir

** PhD Candidate, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
fa_sheikhi@sbu.ac.ir